

A Study of the Socio-Cultural and Psychological Variables Influencing Poverty (A Case Study of the Oramanat Towns)

Abstract

Poverty reduction is one of the most important goals of development programs. Considering the importance of socio-cultural and psychological factors in development and its close relationship with poverty, he studies a set of variables affecting poverty under the title of cultural - socio and psychological factors in the cities of Oramanat, Kermanshah province. The experimental model was estimated in terms of income as an indicator of poverty using the weighted least squares method. The statistical population was first selected using Cochran's formula of 400 heads of households and in the next step using stratified random sampling method. The results showed that among the psychological factors affecting poverty, the self-esteem factor and among the socio-cultural factors, the factors of destiny and discredit in the world are the most influential variables on poverty. Therefore, employing counseling and psychological experts in the organs and departments in charge of the poor in the field of intellectual empowerment of people and also broadcasting applications by radio and television, especially provincial and local networks to create a desirable and correct attitude towards worldly life and religious issues. In citizens - can be effective in overcoming poverty in these areas.

Key words: Cultural-Social Vriables, Psychological Variables, Poverty, Oramanat

مطالعه ای پیرامون عوامل فرهنگی - اجتماعی و روان شناختی مؤثر بر فقر (مطالعه موردی شهرستان های اورامانات در استان کرمانشاه)

سید مرتضی افقه^۱حسن فرازمند^۲جبار عزیزیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

چکیده

کاهش فقر از جمله مهمترین هدفهای برنامه‌های توسعه است. پژوهش حاضر با پذیرش اهمیت عوامل فرهنگی - اجتماعی و روان شناختی در فرایند توسعه و رابطه نزدیک آن با فقر، به مطالعه‌ی مجموعه‌ای از متغیرهای مؤثر بر فقر تحت عنوان عوامل فرهنگی - اجتماعی و روان شناختی در شهرستان‌های اورامانات استان کرمانشاه می‌پردازد. الگوی تجربی با لحاظ درآمد به‌عنوان شاخصی برای فقر با استفاده از روش حداقل مربعات وزن داده شده برآورد گردید. ابتدا با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ سرپرست خانوار به عنوان نمونه تحقیق و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی شده انتخاب گردید. نتایج نشان داد، از بین عوامل روانشناختی مؤثر بر فقر عامل عزت نفس و از بین عوامل فرهنگی - اجتماعی عامل های تقدیرگرایی و بی‌اعتباری دنیا اثرگذارترین متغیرها بر فقر می‌باشند. لذا بکارگیری متخصصین مشاوره و روان شناسی در ارگان ها و ادارات متولی امور فقرا در زمینه توانمندسازی فکری افراد و همچنین پخش برنامه های کاربردی توسط صدا و سیما و مخصوصا شبکه های استانی و محلی جهت ایجاد نگرش مطلوب و صحیح نسبت به زندگی دنیوی و مسایل دینی در شهروندان می‌تواند در زمینه برون رفت از فقر در این مناطق اثرگذار باشد.

کلید واژه ها: عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل روان شناختی، فقر، اورامانات

^۱دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

^۲استاد تمام گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

^۳دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز و نویسنده مسؤل. Jabarazizian799@gmail.com

تلاش برای برون رفت از فقر و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت و توسعه، موضوع پژوهش‌های فراوان و هدف و رسالت بسیاری از سیاستمداران و تصمیم‌سازان در چند دهه اخیر بوده است. در این میان کشورهای درحال توسعه، بیش از بقیه برای مطالعات تأکید کرده‌اند. لزوم توجه به فقر از این امر ناشی می‌شود که فقر، امیدها و شادی‌ها و رفاه افراد جامعه را ناممکن می‌سازد. در واقع فقر، نه تنها معلول توسعه نیافتگی است بلکه خود یک علت برای قرار گرفتن در مسیر توسعه است.

سال‌هاست برنامه ریزان اقتصادی — اجتماعی بر این باورند که نتایج برنامه‌های توسعه در صورتی موثر و پایدار هستند که کاهش فقر و نابرابری به عنوان یکی از اهداف اصلی دنبال شود. به همین دلیل در چارچوب توسعه‌ی پایدار و متوازن، میزان بهره‌مندی فقرا از مواهب و دستاوردهای توسعه شاخص مهمی محسوب می‌شود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶). اهمیت موضوع فقر به گونه‌ای است، که در اغلب تعاریف توسعه بر کاهش و از بین بردن آن تأکید شده است. به دلیل درهم‌تندگی و وابستگی متقابل فقر با مسئله‌هایی که خود، نشانه‌هایی از توسعه نیافتگی هستند و در عین حال، بازدارنده‌ای برابر توسعه به شمار می‌روند، کاهش فقر یکی از مهمترین هدف‌های برنامه‌های توسعه است (والاویو، ۲۰۱۵). همانگونه که پیتر دورنر توسعه اقتصادی را بسط امکانات و پرورش قابلیت بشر برای جلوگیری از فقر می‌داند (دورنر، ۱۹۲۵). از سوی دیگر، آن چنانکه سیرز می‌گوید، کاهش دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند:

"سئوالی که باید درباره فرایند توسعه یک کشور پرسید آن است که، چه اتفاقی برای فقر افتاده است؟ چه اتفاقی برای بیکاری افتاده است؟ چه اتفاقی برای نابرابری افتاده است؟ اگر در همه این سه مورد کاهش رخ داده باشد بدون تردید باید گفت که در جامعه مورد نظر توسعه اتفاق افتاده است. اما اگر یک یا دو مورد از این سه مشکل اساسی بدتر شده‌اند بخصوص اگر هر سه مورد بدتر شده باشند، عجیب خواهد بود که نتیجه این فرایند را توسعه بنامیم. حتی اگر درآمد سرانه نیز افزایش یافته باشد" (افقه، ۱۳۹۶:۱۲ نقل از سیرز، ۱۹۷۲).

شناخت فقر در وهله اول ساده به نظر می‌رسد زیرا می‌تواند مبتنی بر یک تعریف کمی از حیث درآمد و مصرف و یا محرومیت باشد. اما به واقع این شناخت چندان هم ساده نیست زیرا پدیدارشناسی فقر با شناخت عوامل پدیدآورنده و پابرجا نگه دارنده آن همراه است. فقر پدیده‌ای مرتبط با چگونگی کارکردها، ساختارهای اقتصادی و روابط اجتماعی است (رئیس دانا، ۱۳۷۹). در سال‌های اخیر، بهره‌گیری از رویکردهای نوین در ارتباط با مسئله فقر، موضوع عمده بحث‌های اندیشمندان اقتصادی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی بوده است. در این دیدگاه جدید، توجه به جامعه و ارزش‌های آن در راستای کاهش فقر مهم تلقی شده‌اند. از طرف دیگر هر جامعه‌ای به فراخور پیشینه خود دارای ارزش‌ها و رویکردهای فکری و فرهنگی متمایزی است. بنابراین یک سیاست واحد نمی‌تواند درمانگر این مشکل باشد. با توجه به این که دیدگاه‌های جدید در ارتباط با فقر بیشتر

از منظر اجتماعی و فرهنگی به این معضل می‌پردازند، در این مطالعه از منظر عوامل غیراقتصادی مؤثر بر فقر به آن پرداخته می‌شود.

۲- بیان مسأله

فقر یکی از پیچیده ترین مسائل اقتصادی است که حل آن نیازمند شناخت عمیق و دقیق آن است. بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه و علل متناظر با آن اولین قدم در مسیر برنامه ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. چرا که عدم شناخت صحیح عوامل مؤثر بر فقر در کشور و نیز علل تشدید کننده یا تخفیف دهنده آن در برنامه های فقر زدایی، باعث سیاستگذاری نامناسب، اتلاف منابع اقتصادی، عقیم شدن تلاش ها و برنامه ها و فرصت سوزی های جبران ناپذیر و در نهایت تداوم فقر به صورت یک فرهنگ و ممانعت از توسعه پایدار کشور می‌گردد.

با توجه به آمارهای موجود، روند فقر در ایران فراز و نشیب های زیادی داشته و طی پانزده سال اخیر چهار دوره متفاوت مشهود است؛ افزایش فقر و نابرابری طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۸۷، کاهش شدید فقر و نابرابری طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۸، افزایش شدید فقر و نابرابری بعد از سال ۱۳۹۱ (بانک جهانی، ۲۰۱۵) و افزایش سرعت فقر از سال ۱۳۹۸ (بانک جهانی، ۲۰۲۱). آمارهای فقر در کنار بقیه آمارها همچون بیکاری نشان از این دارد که کشوری همچون ایران با وجود سرمایه های عظیم انسانی و منابع طبیعی فراوان، همچنان از معضل فقر رنج می‌برد و تجربه فقر در ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان حساسیت روی آن را افزایش داده است. اما باید توجه داشت، که حل هر مسأله اجتماعی نیازمند شناخت دقیق آن است.

از آنجا که سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدایی بی توجه به نقشه فقر امکانپذیر نیست، لازم است که یک برنامه‌ی فقرزدایی مبتنی بر اطلاعات کافی از راه مطالعه‌ی پژوهشگران مستقل و تلاش دستگاه‌های دولتی برای اندازه گیری فقر تدوین شود. موضوع فقر در استان‌های کمتر توسعه یافته مانند استان کرمانشاه اهمیتی دو چندان دارد. بنابر پژوهشی که توسط عینیان و سوری با عنوان "فقر و نابرابری، رفتار پس انداز خانوار، تورم دهک ها طی سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵" انجام شده است، نرخ سرشمار فقر در شهرستان های استان کرمانشاه در دامنه ۸/۳ درصد تا ۳۰/۳ درصد می باشد. در این آمار، شهرستان های جوانرود و ثلاث باباجانی در قعر جدول و به ترتیب دارای در صد های ۲۹/۷ و ۳۰/۳ درصد می باشند و وضعیت دو شهرستان دیگر نیز چندان مناسب نمی باشد (عینیان و سوری، ۱۳۹۵).

منطقه اورامانات شامل چهار شهرستان پاره، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی در غرب استان کرمانشاه است. با جمعیتی بالغ بر ۲۲۰ هزار نفر، حدود ۳۵۰۰۰ نفر آن تحت پوشش نهادهای رسمی حمایتی (کمیتة امداد و بهزیستی) است (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۶). این رقم غیر از افرادی است که تحت پوشش خیریه ها می باشند. این منطقه که در نقطه صفر مرزی قرار گرفته با ساختار فرهنگی خاص خود، پیوسته از فقر کشنده مخصوصا در روستاها در رنج بوده است. در طول سالیان، یکی از موضوعاتی که از آن غفلت شده، بررسی موضوع فقر بصورت علمی در منطقه می باشد. موضوعی که باید به صورت دقیق بررسی شود و عوامل مؤثر بر آن واکاوی گردد. ضمناً توجه به این موضوع که عوامل بوجود آورنده فقر الزاماً فقط اقتصادی نیستند، محقق را

به این پژوهش واداشته که عوامل غیراقتصادی مؤثر بر فقر را بررسی کند. بنابراین در این تحقیق عوامل فرهنگی - اجتماعی و روان شناختی مؤثر بر فقر در منطقه اورامانات بررسی می شود.

۳- چارچوب نظری

۳-۱ مفهوم فقر

از گذشته تا کنون تعاریف و نظریات مختلفی در خصوص فقر مطرح شده است که هرکدام از آنها دید مختلفی به فقر و یا عوامل ایجاد کننده آن داشته اند. سن (۱۹۸۱) فقر را به صورت محرومیت از قابلیت های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکان ها و زمان های مختلف تاکید می کند. بدین معنی که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر به معنی محرومیت از امکانات تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است، نظیر غذا، مسکن، دارو. در حالی که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد. بانک جهانی، فقر را محرومیت از رفاه بیان کرده است. به بیان دیگر از دیدگاه بانک جهانی فقر شامل گرسنگی، نداشتن سرپناه و لباس، بیمار بودن و درمان نشدن، بی سواد بودن و مدرسه نرفتن است (بانک جهانی، ۲۰۰۹).

نخستین تلاش ها برای تعریف و اندازه گیری فقر به قرن نوزدهم میلادی باز می گردد که بوهم روانتری^۱ مفهوم فقر مطلق را مطرح کرد. روانتری در سال ۱۸۹۹ با جمع آوری اطلاعات مفصلی در خصوص شهر یورک در انگلستان، خانوارهایی را که مجموع درآمد آنها برای دستیابی به حداقل نیازهای ضروری برای بقا کافی نبود، فقیر نامید. در دهه ۷۰ میلادی، مفهوم جدیدی به اسم فقر نسبی در کنار واژه فقر مطلق مطرح گردید. پیترو تاوان سند^۲ بیان داشت در رویکرد نسبی به فقر، مردمی فقیر محسوب می شوند که درآمد شان حتی اگر برای بقا کافی باشد از درآمد مورد نظر اجتماع بسیار پایین تر است (ارشدی، ۱۳۹۳).

در سال ۱۹۸۷، آمارتیا سن با بیان اینکه فقر صرفاً پدیده ای تک بعدی نیست که بتوان آن را به صورت کمبود تعریف کرد، رویکرد جدیدی از فقر را با عنوان فقر چند بعدی بنیان نهاد. سن اظهار داشت فقر هنگامی ایجاد می شود که افراد از توانمندی ها و قابلیت های اساسی محرومند. درآمد یا تحصیلات مناسبی ندارند یا از سطوح پایینی از بهداشت برخوردارند، در ناامنی به سر می برند، اعتماد به نفس پایینی دارند، احساس ناتوانی و محرومیت از حقوقی که یک فرد از بدو تولد و در مقاطع مختلف زندگی در ابعاد گوناگون (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) از آن برخوردار می شود را تجربه می کنند (سن، ۱۳۸۱).

نگرش مکانیکی به موضوع فقر از جانب بسیاری از اقتصاددانان و غلبه این نگرش در دهه های گذشته بر سازمان ها و نهادهای جهانی باعث گردیده که کوشش ها برای کاهش فقر در بسیاری از موارد با شکست مواجه شود. به عنوان شواهد تاریخی، می توان به تجربیات اجرای سیاست های موفق در آمریکای شمالی که

^۱Seebohm Rowntree

^۲Peter Townsend

نتوانست نتایج مطلوب را در آمریکای لاتین در پی داشته باشد، اشاره کرد (یگانلو، ۱۳۹۲). بنابراین هرچند تجربیات کشورهای توسعه یافته امروزی می‌تواند راهگشا باشد، اما به طور کامل و دقیق قابلیت کاربرد ندارد، چرا که به دلیل مقطع زمانی یا از جهت انطباق شرایط فرهنگی، تمایزات آشکاری وجود دارد.

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد دیدگاه‌های جدید در ارتباط با فقر بیشتر از منظر اجتماعی و فرهنگی به این معضل می‌پردازند. از آنجا که در این مطالعه نیز از منظر عوامل غیراقتصادی به بررسی فقر پرداخته شده است، لذا برای ورود به موضوع فقر از دیدگاه عوامل غیر اقتصادی، ابتدا یک تقسیم‌بندی کلی از ادبیات توسعه‌ارایه می‌شود.

۳-۲ گفتمان توسعه

عنبری تمامی نظریه‌های توسعه را در دو گفتمان طبقه‌بندی می‌کند:

۱- **گفتمان پیشرفت:** گفتمان پیشرفت فضای تولد و تکوین ادبیات توسعه است. این گفتمان بر این پیش فرض استوار است که توسعه، به سان قانون آهنین و عام، سراسر زندگی بشر را در می‌نوردد. دانشی که به این قانون جان بخشید، علم اقتصاد است. در علم اقتصاد، توسعه مکانیزمی خاص است و قانون و قاعده مشخص دارد. بنابراین با فرض وجود نگرش‌های مکانیزمی به توسعه در این گفتمان، عنصر مسلط بر این گفتمان را «قانون و اقتصاد» می‌توان ذکر کرد.

۲- **گفتمان بازاندیشی:** این گفتمان محصول تأمل و انتقادات متعددی است که بر مبنای پیامدهای عصر پیشرفت و توسعه به پا خورسته و قاعده محوری و الگو طلبی در توسعه را به چالش کشیده است. بازاندیشان رویکرد دینامیسمی به توسعه دارند، یعنی با منظری پویاگرایانه و فرهنگی، توسعه را فراتر از قاعده‌ای از پیش تعیین شده و مشخص می‌دانند. موضوع اصلی در این گفتمان، انسان و صفات بومی، تاریخی و فرهنگی او است. عصر مسلط بر این گفتمان را انسان و فرهنگ می‌توان ذکر نمود (عنبری، ۱۳۹۷). با توجه به آنچه از عنبری نقل شد، گفتمان بازاندیشی که با توجه به فرهنگ، اجتماع و از منظری تاریخی و دینامیکی به موضوع توسعه کارساز باشد. در اینجا برای بسط بیشتر این گفتمان، به موضوع نهادگرایی به عنوان کلید ورود به مباحث فرهنگ و اجتماع پرداخته می‌شود.

۳-۳ نهادگرایی

گروهی از اقتصاددانان با نزدیک کردن اقتصاد به جامعه‌شناسی معتقدند برای فهم متغیرهای اقتصادی در جامعه می‌بایست نهادها و نهادمندی را در آن جامعه مورد مطالعه قرار داد. نهادها ریشه در فرهنگ و تاریخ دارند و نهادگرایان تاریخ‌گرا، تسلسل و تداوم تاریخی در حکومت و سیاست را مورد بررسی قرار داده‌اند و بر توالی تاریخی در توسعه نهادی تأکید می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰). از دیدگاه یوهان اشتاین نهاد یک سیستم اعتقادی درباره وضعیتی که پدیده‌ها دارند و وضعیتی که باید داشته باشند، است. این سیستم به طور اجتماعی ساخته می‌شود و تفکر و کنش انسانها را سازماندهی می‌کند. نهاد یک پدیده فیزیکی و عینی نیست، بلکه یک سازه ذهنی است.

نهادهای، به شکل آگاهانه و یا غیرآگاهانه، در درون ذهن گروهی از افراد مشترک هستند. نهادها در طیفی از نهادهای صریح تا ضمنی قرار می‌گیرند (مشهدی احمد، ۳۰۶: ۱۳۹۴).

از نظر نورث، نهادها قوانین بازی در جامعه اند، یا به عبارتی سنجیده تر قیود وضع شده از جانب نوع بشرند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی (نورث، ۱۳۷۷).

میردال به تأثیر محیط اجتماعی بر رفتار بشری، بسط گسترده دیدگاه اقتصادی به منظور پوشش تمام عوامل مربوط و بر ماهیت پویایی و تبیین اصول موضوعه علیت دوری در نظام اجتماعی، توجه داشت. در مقدمه کتاب *درام آسیایی* می‌گوید: «اگر درجه ای از اصیل بودن در این کتاب باشد به این دلیل است که از ابتدا تا انتها بر پایه نگرش نهادگرایی بنا شده است» (میردال، ۱۳۶۶). وی نگرش‌های دیگر را به این دلیل برای واقعیات توسعه نامناسب می‌داند، که مجرد از شرایط اساسی کشورهای در حال توسعه یعنی خصلت‌ها و نهادها هستند.

امروزه در اهمیت نهادها همین بس که سازمان‌های بین‌المللی در ارتباط با موضوع فقر و راهکارهای کاهش آن بر بحث نهادها و نقش نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأکید بسیار می‌کنند و از طرف این سازمان‌ها راهکارهایی مانند افزایش سرمایه اجتماعی، استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان واسطه‌هایی برای کاهش فقر می‌توان نام برد.

۳-۴ عوامل فرهنگی

تعاریف مختلفی از فرهنگ ارایه شده است، که در اینجا برحسب موضوع مورد بحث، دو نمونه از آن بیان می‌شود:

لینتون: فرهنگ شامل «تمامی گمان‌ها، پاسخ‌های عاطفی، شرطی و الگوهای عادی رفتار که هموندان جامعه از راه آموزش فرا می‌گیرند و کمابیش در آن مشترک اند»، می‌شود (آشوری، ۴۹: ۱۳۹۷).

یانگ: «فرهنگ ترکیبی است از انگاره‌ها، نگره‌ها، عادات مشترک و کمابیش یکسانی که در جهت (برآوردن) نیازهای آدمی پروارنده شده است» (همان: ۵۹).

باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، که کالبد فرهنگ را سامان می‌بخشند و بر خلاف عناصر مادی، در درون فرد و طی زمان طولانی شکل گرفته‌اند، درک و فهم آنها را دشوارتر می‌کنند. از خصوصیات فرهنگ، الگو بودن آن است. یعنی اینکه اعمال انسان از رفتارهای فرد و حرکات کوچکتر تشکیل شده است، که از ترکیب آنها مدل و نمونه‌ای پدید می‌آید. انسان پیوسته تحت فشار است تا رفتارش را با الگوهای موجود هماهنگ سازد و این هماهنگی در بافت فرهنگی قابل مشاهده است. «هر فرهنگی در داخل خود سازوکارهایی مختلف دارد که تغییر را در جهت تسهیل می‌کند یا در مقابل آن موانعی به وجود می‌آورد» (یونسکو، ۱۳۷۶). حال اگر ترکیب این

الگوی فرهنگی به نحوی باشد که افراد تحت پوشش خود را پویا و متناسب بهبود خواهی و آرمان خواهی به بار آورد، می تواند تسهیل کننده برون رفت از فقر باشد و در غیر اینصورت مانع رفع فقر می شود.

۳-۵ فرهنگ و اقتصاد

پارسونز با توسل به نظریه سیبرنتیک می گوید میان نظام های چندگانه یک جامعه مبادله انرژی و اطلاعات صورت می گیرد. به نظر وی نظام های فرهنگی دارای بیشترین میزان اطلاعات است و بر همین اساس وی نظام فرهنگی را مهمترین نظام اجتماعی جامعه تلقی می کند که نقش اساسی در تحولات اجتماعی دارد (روشه گی، ۱۳۷۶). خاستگاه فرهنگ و اقتصاد را به تعبیری می توان، جامعه تلقی نمود. جامعه نوعی سیستم اجتماعی است. سیستم اجتماعی معلول روابط اجتماعی است. قطعیتی که بر روابط بین پدیده های طبیعی حاکم است، نوع روابط را تعیین می کند و بنابراین بین پدیده و علت آن، رابطه یک به یک وجود دارد و تعددی در کار نیست. ولی بر روابط انسانی در سیستم های انسانی، به علت وجود اختیار و آگاهی در انسان، قطعیت حاکم نیست و انسان در شرایط معین می تواند به یک عامل شخصی یا سخ های متفاوتی بدهد و این پا سخ های متعدد، چیزی جز وجود کثرت و گزینه های متفاوت نیست. با وجود گزینه های متفاوت است که پدیده ای به نام انتخاب معنا پیدا می کند و از میان روابط ممکن بین پدیده ها، ناگزیر باید یکی را برگزید. به این دلیل است که روابط اجتماعی با وجود اراده و اختیار در انسان ماهیتا انتخابی اند. آنگاه که مسئله انتخاب پیش می آید، به ناچار از معیار سخن به میان می آید. یعنی سبک و سنگین کردن و ارزیابی گزینه های ممکن و متفاوت. این امر توسط "نظام ترجیحی" افراد صورت می گیرد. نوع وزنه و باری که در نظام ترجیحی هر فرد ارزش و اعتبار دارد، منوط به اراده و اختیار اوست. چنانچه قبلا در تعریف فرهنگ ملاحظه شد ارزش، خمیرمایه بعد غیر مادی فرهنگ است، بنابراین ملاحظه می شود که رابطه تنگاتنگی بین اقتصاد و فرهنگ وجود دارد (توسلی، ۱۳۷۱).

۳-۶ عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی تعیین کننده پیشرفت اقتصادی این موضوع را مشخص می کند که اقتصاد، اجتماع و فرهنگ با یکدیگر مرتبط هستند. برای اساس توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساحت های نهادی، اقتصادی، اجتماعی و نگرش های عموم است که در نهایت منجر به اصلاح ساختار اقتصادی و اجتماعی می گردد. در ادامه به بعضی از عوامل اجتماعی که در امر توسعه و فقرزدایی به عنوان یکی از شاخص های بارز توسعه مؤثر هستند، اشاره می شود.

۳-۶-۱ مشارکت

موضوع مشارکت مردمی در برنامه های توسعه، هم زمان با عصر برنامه ریزی توسعه، مشغولیت ذهنی و عملی بسیاری از دولتمردان جوامع در حال توسعه شده است. به بیان مایکل تودارو «یکی از استدلال ها و دلایل اصولی کشورها برای برنامه ریزی توسعه، جلب مشارکت و کمک های ذهنی و عملی مردم در راستای رفع جهل، فقر و غیره بوده است» (تودارو، ۱۳۷۸: ۴۴۸). امروزه به دلیل اهمیت مفهوم مشارکت مردمی در توسعه، برخی از محققان توسعه را مترادف مشارکت می دانند. اگر مشارکت در توسعه در گذشته یک ضرورت عقلانی بوده است، امروزه بسان ضرورت اخلاقی و انسانی جلوه می کند. از این منظر، مشارکت دیگر یک عامل توسعه

در کنار دیگر عوامل به حساب نمی‌آید بلکه هدفی بزرگ است که توسعه درصدد رسیدن به آن است (عنبری، ۱۳۹۷).

در میان محققان توسعه، عبیدالله خان از نظریه پردازان توسعه مشارکتی، بحران کنونی تشدید فقر در مناطق محلی را ناشی از کنار گذاشتن ساکنان از برنامه ریزی‌ها و فرایند توسعه می‌داند. به نظر وی راه اساسی توسعه ایجاد اعتماد به نفس در بین مردم است. سازمان دهی توانایی‌های روستاییان فقیر و مشارکت آنان با منابعی که در اختیار آنهاست عامل اساسی افزایش بهره‌وری و اعتماد به نفس آنان است (عفتی، ۱۳۷۲).

۲-۶-۳ سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتار و تعاملات بین افراد حاکم است. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه و سازمان می‌داند و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد مشارکت مؤثر شهروندان در مراحل مختلف توسعه یاد می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۹).

۳-۶-۳ سرمایه اجتماعی و کاهش فقر

محرومیت اجتماعی می‌تواند دو ویژگی داشته باشد. نخستین ویژگی، سرمایه اجتماعی است، به این معنی که یک فرد از روابط، شبکه‌ها و حمایت اجتماعی محروم شده است. در این مورد فقر نتیجه نبود ارتباط با شبکه‌های اجتماعی به دلیل جمعیت‌شناسی، بهداشت ضعیف یا مهاجرت است. دومین ویژگی محرومیت اجتماعی، تبعیض بر اساس سیستم هنجارها و قوانین است. تبعیض ممکن است دائمی باشد و یا ممکن است زودگذر باشد (غفاری، ۱۳۹۳). اثر محرومیت اجتماعی با دسترسی به سرمایه اجتماعی تسکین داده می‌شود. هنجارها و روابط اجتماعی در ساختارهای اجتماعی جامعه‌ای که جا گرفته‌اند، مردم را در انجام اقدام هماهنگ توانمند می‌کنند. توانایی فقرا در سپری کردن شرایط نامساعد و عکس‌العمل نشان دادن تا حد زیادی بستگی به دسترسی آنها به سرمایه اجتماعی پیوندی به عنوان مثال روابط میان خودشان و سرمایه اجتماعی ارتباطی به عنوان مثال ارتباط با گروه‌هایی که دسترسی به منابع و قدرت دارند، دارد (همان).

روابط متقابل میان منابع سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت که خود تقویت‌کننده و خودافزاینده هستند، از ویژگی‌های جامعه مدنی است. نبود این ویژگی‌ها یعنی عهد شکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا و بی‌نظمی، یکدیگر را در حفظ دوره‌های باطل توسعه نیافتگی و فقر تشدید می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸۹).

۷-۳ عوامل روان‌شناختی

^۱Yoshihiro Francis Fukuyama (1952)

در کنار عوامل فرهنگی و اجتماعی، از آنجا که همواره انسان محور توسعه محسوب می شود، توجه به جنبه های روان شناختی انسان اهمیت بالایی دارد. ریچارد مایرن روان شناختی را تحلیل عینی فرآیندهای ذهنی و ساخت های حافظه آدمی به منظور درک رفتار تعریف کرده است (ساراسون و ساراسون، ۱۳۹۰). و شاخه ای از آن تحت عنوان روان شناسی اجتماعی به مطالعه رفتار انسان به طور فردی و گروهی در سازمان ها و نهادها می پردازد (استرنبرگ، ۱۳۸۷). بخش مهمی از روابط و رفتارهای افراد برای بهبود وضعیت زندگی و رفاه آنان به ساختار اعتقادی شان درباره فقر بستگی دارد و مطالعات متعدد روان شناسی اجتماعی بر اهمیت عقاید و نگرش ها به عنوان شاخص های پیش بینی کننده فقر تأکید می کنند.

۱-۷-۳ نظریه شخصیت خلاق^۱

اورت هیگن^۲، استاد دانشگاه ماساچوست، تحولات جوامع سنتی و مدرن را بر حسب ساختار شخصیتی افراد آن جوامع تبیین کرده است. او در کتاب نظریه اجتماعی بحث می کند که دگرگونی در الگوهای جامعه پذیری دوران کودکی به دگرگونی در انواع شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد منجر می شود که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی تاثیر می گذارد (عنبری، ۱۳۹۷). بین شخصیت و ساختار اقتصادی-اجتماعی هر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد. هیچ تغییر اجتماعی بدون دگرگونی در شخصیت های افراد جامعه حاصل نخواهد شد. هیگن معتقد است که شخصیت نوعی در جوامع سنتی، شخصیت اقتدارطلب است. حال آنکه افراد در جوامع پیشرفته، دارای شخصیت نوآور هستند. پیشرفت اقتصادی و دستاوردهای تکنولوژیکی از عمل افرادی منتج می شود که دارای درجات مختلف خلاقیت و نوآوری هستند (همان). هیگن، از مجموع بحث های خود، نتیجه گیری می کند که لازمه توسعه اجتماعی-اقتصادی این است که افراد ویژگی های یک شخصیت خلاق را داشته باشند. همدلی، انگیزه بالای پیشرفت، انگیزه نیاز به استقلال و نظم، انگیزه کمک و همکاری با هموعان، و انگیزه مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم گیری ها و امور مرتبط با زندگی خود از صفات فرد خلاق است.

۲-۷-۳ نظریه انگیزه پیشرفت^۳

یافته های پژوهشی نشان می دهد که انگیزه نیاز به پیشرفت در افراد تفاوت دارد. وروم^۴ نشان داد که افراد با توانایی های بالا و انگیزه پیشرفت زیاد می توانند موفق باشند، در حالیکه افراد با توانایی بالا و انگیزه پیشرفت پایین، موفقیت چندانی به دست نمی آورند (وروم ۱۹۶۰، نقل از متوسلی ۱۳۹۶). آنگونه که از تحقیقات برمی آید، موفقیت و پیشرفت فرد در جامعه تا حدود زیادی زیر نفوذ این نیاز است. لذا مسلم است که هر کشور خواهان توسعه و پیشرفت باید سعی کند از طریق سیستم آموزش و پرورش و تبلیغات، این نیاز را به شکل طبیعی به افراد جامعه القا نماید تا به گونه همگانی، انگیزه تلاش و پیشرفت در اندیشه و رفتار افراد بروز و تجلی پیدا کند. برخی از شواهد ارتباط بین سطح انگیزش پیشرفت و قابلیت سازندگی را نشان داده است. این

^۱Theory of Creative Personality

^۲Hagen, Everette

^۳Theory of Progress Motivation

^۴Varoom

شواهد بر این موضوع اشاره دارند که انگیزه پیشرفت می‌تواند پیشرفت اقتصادی و فناوری کشور را تغذیه کند و موجب گسترش آن شود (رضایی، ۱۳۹۶).

۳-۷-۳ تاثیر عزت نفس در کار و موفقیت

از متغیرهای دیگر روان‌شناختی که بر تلاش انسان‌ها برای برون‌رفت از فقر می‌توان نام برد، عزت نفس است. در پژوهشی فینکلمن (۱۹۷۹) به این نتیجه رسید که افراد دارای عزت نفس بالا به احتمال زیاد در قیاس با افراد دارای عزت نفس پایین، کار را با موفقیت بیشتری انجام خواهند داد. تربورگ و دیگران (۱۹۸۰) نیز نشان دادند که درجه عزت نفس افراد، همبستگی معنی‌داری با میزان فعالیت و کوشش آنها دارد. به این معنی که هر چه عزت نفس آنها بالاتر باشد تلاش بیشتری خواهند داشت به طوری که می‌توان گفت که عزت نفس بیشتر باعث سعی و کوشش بیشتری شده و همین باعث کاهش فقر می‌شود (کورمن، ۱۳۷۶).

۴- پیشینه تحقیق

۴-۱ مطالعات داخلی

حافظ نیا (۱۳۷۱) در یک بررسی آماری پیرامون وضعیت خانوارهای عادی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی در نواحی مختلف جغرافیایی کشور به شناسایی علل و عوامل موثر در پیدایش زندگی فقیرانه این خانوارها پرداخت. از نتایج این تحقیق این است که عوامل فرهنگی نظیر نگرش ایدئولوژیک نسبت به مساله فقر و پایین بودن سطح سواد و تخصص و دست نیافتن به فرصت‌های آموزشی توسط سرپرست خانوار به عنوان متغیر اجتماعی نقش قابل توجهی در فقر خانوار داشته است.

شیخی و امانیان (۱۳۸۹) با بررسی «ارتباط کنش موثر فردی با فقر اقتصادی در مهاجرین حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز» نشان دادند که ارتباط متغیرهای میل به پیشرفت و میل به کنترل محیط با شدت فقر به صورت معکوس می‌باشد. متغیرهای نگرش به فقر، وابستگی عاطفی، سازگاری و تقدیرگرایی همبستگی مستقیم با شدت فقر دارند.

بساطیان (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر، شهرستان دلفان استان لرستان» نتیجه گرفت که، همبستگی معناداری بین فرهنگ فقر با سرمایه فرهنگی، میزان دینداری و محل سکونت در سطح ۹۹٪ اطمینان وجود دارد.

همزه ای و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله ای با عنوان «شناخت فرهنگ فقر در روستایان شهرستان هر سین» به بررسی فرهنگ فقر پرداخته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که مشخصه‌های فرهنگ فقر، در بین روستایان این شهرستان به صورت زیر است: بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، انزوای شدید اجتماعی، نداشتن مشارکت اجتماعی.

^۱Finkelman

^۲Terborg et al

عبدالهی، و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ی «ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستایی: مورد روستای قیچاق، شهرستان میاندوآب» به این نتیجه رسیدند، که بین گسترش مولفه سرمایه اجتماعی و کاهش فقر روستاییان رابطه معنادار وجود دارد. به طوری که تمامی مولفه های سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستاییان تاثیر داشته و موجب کاهش آن می شود.

عباسی، و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله ی «تبیین رابطه بین تقدیرگرایی و بهره وری نیروی انسانی» به بررسی رابطه بین ابعاد تقدیرگرایی با بهره وری نیروی انسانی پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین ابعاد تقدیرگرایی و بهره وری نیروی انسانی رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد.

یا سوری، و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «مشارکت روستایی، راهکاری جهت دستیابی به توسعه و کاهش فقر، دهستان سراوان شهرستان رشت» به بررسی رابطه بین مشارکت روستایی و وضعیت فقر در ابعاد متفاوت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح دهستان سراوان پرداخته اند. نتایج حاکی از این است که بین فقر در ابعاد مختلف و میزان مشارکت رابطه وجود دارد.

۲-۴ مطالعات خارجی

هاگبرگ^۱ (۲۰۰۱)، در پژوهشی با عنوان «فقر در بورکینا فاسو» نشان داد که عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فرهنگ فقر تاثیر دارند. در علل فرهنگی فقر، نامناسب بودن نظام خویشاوندی، نظام اجتماعی و عقاید مذهبی را مطرح می کند.

شاپیرو^۲ (۲۰۱۱)، در مقاله ای با عنوان «تقدیرگرایی و پس انداز» نشان داد که افراد متأهل و آنان که دارای تحصیلات بالاتری هستند، برای بازنشستگی خود برنامه داشته و پس انداز دارند. ولی افراد تقدیرگرا ریسک پذیری کمتری داشته و پس انداز ندارند و در سرمایه گذاری ها مشارکت نمی کنند.

برنارد^۳ (۲۰۱۲)، در مقاله ای با عنوان «کنترل و خودکارآمدی و رابطه تقدیرگرایی و گرفتن وام»، به این نتیجه رسید که تقدیرگرایی، تقاضا برای وام های بلندمدت و وام هایی که با هدف بهره وری است را کاهش می دهد.

موکلیا و دیگران (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و فقر در نیجریه» با استفاده از داده های پرسشنامه مربوط به ۶۰۰ خانوار در شهر مینا در نیجریه نشان دادند که بهبود سرمایه اجتماعی منجر به کاهش فقر می شود.

^۱Hagberg

^۲Shapiro

^۳Bernard, T

^۴Mukulla

الکیرا و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "شاخص های چند بعدی فقر" نشان دادند که فقر از بعد اجتماعی، در پایین بودن سطح آگاهی، فقدان نوآوری، ضعف خلاقیت، حاشیه ای شدن افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ریشه دارد.

۵- روش تحقیق

مطالعات در خصوص فقر با رویکردهای مختلفی انجام شده است. بخش عمده ای از این مطالعات مربوط به اندازه گیری فقر خانوار و یا تعیین عوامل ایجاد کننده فقر خانوار می باشند. بعضی از مطالعات مربوط به تعیین عوامل ایجاد کننده فقر، رویکرد غیر پولی داشته اند و به بیان دیگر با توجه به ویژگی های اجتماعی اقتصادی خانوارها، شاخص های فقر خانوار را محاسبه کرده اند. رویکرد دیگر در تحلیل فقر، استفاده از تحلیل پولی برای فقر بوده و تمرکز اصلی این مطالعات بر درآمد یا هزینه های مصرفی خانوارها به عنوان شاخص های رفاه خانوار بوده است. در پژوهش حاضر از دیدگاه عوامل غیراقتصادی به بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی و روانشناختی اثرگذار در فقر خانوار پرداخته شده است. بر این اساس این مطالعه بدنبال پاسخ به دو پرسش اصلی می باشد:

۱- عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر فقر در اورامانات چه مواردی هستند؟

۲- عوامل روان شناختی مؤثر بر فقر در اورامانات چه مواردی هستند؟

در راستای پاسخ به این سوالات، فرضیات زیر در نظر گرفته شده است:

۱- هر اندازه فرد از عزت نفس کمتری برخوردار باشد، فقیرتر خواهد بود.

۲- هر اندازه که فرد احساس محرومیت بیشتری داشته باشد، فقیرتر خواهد بود.

۳- هر اندازه که فرد اعتقاد بیشتری به حتمی بودن سرنوشت داشته باشد (تقدیرگرایی)، فقیرتر خواهد بود.

۴- هر اندازه که فرد انگیزه کمتری برای پیشرفت و موفقیت داشته باشد، فقیرتر خواهد بود.

۵- به هر اندازه که فرد بیشتر به خرافات گرایش دارد، فقیرتر است.

۶- هر اندازه که فرد تمایل کمتری به نوآوری (شیوه جدید انجام کار) داشته باشد، فقیرتر خواهد بود.

۷- هر اندازه که فرد اعتماد کمتری به دیگران داشته باشد، فقیرتر خواهد بود.

۸- هر اندازه که فرد تمایل کمتری به پس انداز دارد، فقیرتر خواهد بود.

۹- هر اندازه که فرد توجه کمتری به آینده و برنامه ریزی برای آن دارد، فقیرتر خواهد بود.

۱۰- به هر میزان که فرد برای زندگی دنیوی ارزش کمتری قائل شود، فقیرتر است.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، پیمایشی — توصیفی است. با توجه به اینکه هدف این پژوهش، شناسایی و اندازه گیری میزان اثرگذاری عوامل فرهنگی - اجتماعی و روانشناختی ایجادکننده فقر می باشد، مقدار درآمد خانوار به عنوان متغیر وابسته در برآورد الگوی پژوهش در نظر گرفته شده است. برای انتخاب متغیرهای مستقل الگو، ضمن توجه به مبانی نظری، از پژوهش های گذشته بهره گرفته شد. بر این مبنا متغیر گرایش به تقدیرگرایی با توجه به بررسی عباسی و همکاران (۱۳۹۴)، محسنی تبریزی (۱۳۸۵)، متغیر

گرایش به خرافات بر مبنای بررسی گو ستاوجاهودا (۱۳۹۳)، متغیر عدم پس انداز و عدم آینده نگری بر مبنای بررسی بساطیان (۱۳۹۰)، متغیر بی اعتباری دنیا بر مبنای بررسی ازکیا (۱۳۷۷) و متغیر اعتماد اجتماعی بر مبنای بررسی عبداللهی و همکاران (۱۳۹۲)، تاجبخش (۱۳۸۹)، شادی طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۷) جزء متغیرهای فرهنگی اجتماعی در نظر گرفته شده اند. متغیر عزت نفس بر مبنای بررسی الیوت آرونسون و همکاران (۱۳۹۷)، متغیر محرومیت نسبی بر مبنای بررسی خالد (۱۳۹۳)، متغیر انگیزه پیشرفت بر مبنای بررسی رضایی (۱۳۹۶)، شیخی و امانیان (۱۳۸۹) و متغیر خلاقیت و نوآوری بر مبنای بررسی الوانی (۱۳۸۵)، الکیر و همکاران (۲۰۱۴) جزء متغیرهای روان شناختی دسته بندی می شوند. به این ترتیب، الگوی نظری پژوهش تدوین گردید.

جامعه آماری تحقیق شامل سرپرست های خانوارهای شهرستان های اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) می باشد که بالغ بر ۴۸۰۰۰ خانوار می باشد. روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده است و چارجوب نمونه گیری، شامل سرپرست خانوار شهرستان های مذکور می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ مورد انتخاب و در میان هفت سطح درآمدی تقسیم گردید. با بهره گیری از پرسش نامه های معتبری همچون انگیزه پیشرفت هرمنس، اعتقاد به خرافات، خلاقیت، سنجش اعتماد اجتماعی، رفتار اجتماعی، عزت نفس کوپر اسمیت، مجموعه ای از سؤالات، متناسب با سنجش متغیرها، به گونه ای که برای مصاحبه شوند ها با توجه به فرهنگ محل، قابل فهم باشد، طراحی گردید. جواب سؤالات به صورت طیف لیکرت با گزینه های خیلی موافقم، موافقم، بی نظر، مخالفم و خیلی مخالفم در مقابل هر سؤال قرار داده شد. در مرحله بعد روایی پرسشنامه مورد تأیید ۱۲ نفر از کارشناسان علوم اجتماعی، جامعه شناسی، اقتصاد، فرهنگ و هنر، و روان شناسی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که جدول ۱ نشان می دهد میزان آلفای کرونباخ تمامی متغیرها به غیر از متغیر عدم آینده نگری در حد خوب ارزیابی می شود. و این نشان از پایایی سؤالات این متغیرها می دهد.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده ابتدا از گرایش های مرکزی مثل میانگین، میانه و نما جهت توصیف اطلاعات و ویژگی های جامعه آماری استفاده خواهد شد. سپس از ضرایب همبستگی رتبه ای اسپیرمن جهت اثبات رابطه متغیرها بهره گرفته می شود و در نهایت از رگرسیون خطی چند متغیره برای تعیین میزان اثرگذاری هر کدام از متغیرها بر متغیر ملاک، استفاده می شود. قابل ذکر است که جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از نرم افزار SPSS و Eviews 10 استفاده گردید.

جدول (۱) نتایج آلفای کرونباخ برای پایایی متغیرها

متغیر	عزت احساس	تقدیر	گرایش به اعتماد	بی اعتباری	خلاقیت	عدم	عدم
مستقل	نفس	محرومیت	گرای خرافات	اجتماعی	و اعتباری	پس	آینده
				دنیا	نوآوری	انداز	نگری

Cronbachs alpha

آلفای کروباخ	۰/۷۶۶	۰/۷۴۷	۰/۸۴۳	۰/۶۲۷	۰/۷۰۱	۰/۸۱۷	۰/۷۴۵	۰/۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۱۷۹
تعداد گویه‌ها	۶	۵	۴	۷	۶	۲	۵	۴	۳	۴	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶- یافته‌های پژوهش

ابتدا با استفاده از شاخص‌های مرکزی خصوصیات اجتماعی و جمعیت شناختی نمونه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین افراد نمونه مورد بررسی (۳۰/۳ درصد) در گروه سنی ۳۹-۳۰ سال قرار دارند. بررسی سطح تحصیلات نمونه نیز نشان می‌دهد که ۱۱/۸ درصد بی‌سواد، ۵۶/۳ درصد دیپلم و ۳۱/۴ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. بررسی محل سکونت افراد نشان داد که ۳۲/۵ درصد در روستا و ۶۷/۳ درصد در مناطق شهری سکونت دارند. در مرحله بعد جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیر درآمد از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده گردید. بر اساس یافته‌های تحلیل همبستگی (جدول ۲) متغیرهای عزت نفس، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، اعتماد به نفس و عدم پس‌انداز همبستگی مثبت و معناداری با درآمد دارند به عبارت دیگر با افزایش این متغیرها بر درآمد افزوده می‌شود و از سوی دیگر بین متغیرهای احساس محرومیت، تقدیرگرایی، خرافات، عدم آینده‌نگری و بی‌اعتباری دنیا با درآمد همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

ماتریس همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن بین متغیرهای مستقل و درآمد

درآمد	عزت نفس	محرومیت	تقدیرگرایی	انگیزه پیشرفت	خرافات	خلاقیت	اعتماد بنفَس	عدم پس‌انداز	عدم آینده‌نگری
۱									
۰/۸۳۵**	۱								
-۰/۷۲۵**	-۰/۷۳۳**	۱							
-۰/۶۶۰**	-۰/۶۳۴**	۰/۵۹۲**	۱						
۰/۷۳۵**	۰/۷۸۴**	-۰/۷۰۹**	-۰/۵۵۷**	۱					
-۰/۷۳۲**	-۰/۷۳۷**	۰/۷۴۸**	۰/۶۶۱**	-۰/۷۲۶**	۱				
۰/۷۲۲**	۰/۷۲۴**	-۰/۷۰۸**	-۰/۶۱۹**	۰/۷۲۴**	-۰/۷۳۳**	۱			
۰/۷۵۷**	۰/۷۹۴**	-۰/۷۹۹**	-۰/۶۰۶**	۰/۷۳۴**	-۰/۷۶۴**	۰/۷۹۵**	۱		

۱۴۰۱ سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن

سنجش سبب‌های روان‌شناختی در درآمد

۱	۰/۵۹۲**	۰/۶۰۶**	-۰/۵۴۱**	۰/۶۰۰**	-۰/۴۷۵**	-۰/۵۳۱**	۰/۶۳۸**	۰/۵۸۲**	عدم پس انداز
۱	-۰/۴۲۴**	-۰/۵۸۰**	-۰/۵۴۰**	۰/۵۹۸**	-۰/۵۵۲**	۰/۴۶۵**	۰/۶۰۴**	-۰/۵۷۷**	عدم آینده نگری
۱	۰/۵۳۵**	-۰/۵۴۸**	-۰/۶۲۹**	-۰/۶۳۰**	۰/۶۸۴**	-۰/۶۵۲**	۰/۵۹۵**	۰/۶۲۰**	بی‌اعتباری دنیا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه جهت تعیین میزان اثرگذاری عوامل فرهنگی اجتماعی و روانشناختی موثر بر فقر از تحلیل رگرسیون با روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده گردید. آزمون‌های تشخیصی نشان داد فرض واریانس همسان بودن اجزاء اخلاص پذیرفته نمی‌باشد لذا به منظور رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات وزن داده شده (GLS) برای بررسی عوامل موثر بر فقر بهره گرفته شده است. نتایج برآورد مدل در جدول ۲ گزارش شده است. ضریب تعیین الگو به میزان ۰/۷۱ قدرت توضیح دهنده متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. آماره دوربین واتسون نیز نشان دهنده استقلال خطاها و عدم وجود خود همبستگی در مدل می‌باشد. متغیرهای مدل از لحاظ وجود هم‌خطی نیز مورد بررسی قرار گرفتند و ضریب VIF (عامل تورم واریانس) برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ محاسبه گردید که نشان دهنده عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد متغیرهای عزت نفس، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، تقدیرگرایی، اعتماد اجتماعی و بی‌اعتباری دنیا در سطح احتمال یک درصد اثر معناداری بر فقر دارند. متغیر عدم پس انداز در سطح احتمال ۱۰ درصد اثر معناداری بر فقر دارد. ضریب متغیرهای احساس محرومیت و خرافات با علامت منفی و ضریب متغیر عدم آینده‌نگری با علامت مثبت نیز از نظر آماری معنادار نیستند.

جدول (۳) نتایج برآورد عوامل مؤثر بر فقر با روش حداقل مربعات وزن داده شده (GLS)

متغیر	ضریب	آماره t
متغیر وابسته: درآمد (شاخصی از فقر)		
عزت نفس	۰/۰۹۴	۸/۶۶***
احساس محرومیت	-۰/۰۱۱	-۱/۱۰
انگیزه پیشرفت	۰/۰۳۳	۲/۶۰***
خلاقیت	۰/۰۴۲	۲/۹۲***
تقدیرگرایی	-۰/۰۵۰	۳/۷۱***
خرافات	-۰/۰۰۱	-۰/۱۳۱
اعتماد اجتماعی	۰/۰۲۷	۲/۳۸***
عدم پس انداز	۰/۰۴۵	۱/۵۱
عدم آینده‌نگری	۰/۰۰۲	۰/۱۶۶

عوامل فرهنگی -
اجتماعی

R-squared = 0.71
Adjusted R-squared = 0.70
Durbin-Watson stat = 1.51

ماخذ: یافته‌های تحقیق (*** معنی داری در سطح ۰/۱، ** معنی داری در سطح ۰/۵، * معنی داری در سطح ۰/۱۰).

نتایج حاصل از بررسی عوامل روانشناختی موثر بر فقر، نشان می‌دهد که هرچه فرد عزت نفس بالاتری داشته باشد مقدار درآمد فرد (متغیر وابسته) افزایش یافته که متناظر با کاهش فقر می‌باشد. به عبارت دیگر ۱ درصد افزایش در عزت نفس سبب افزایش درآمد به میزان ۹ درصد می‌شود. از آنجا که کار و تلاش با درآمد افراد رابطه مستقیم داشته و باعث کاهش فقر می‌شود، مطالعاتی از جمله پرکینز (۱۹۸۳)، بلاسی و اورسکی (۱۹۸۶) و بروکنر (۱۹۸۸) نیز همسو بودن ارتباط عزت نفس با کار و تلاش را تأیید نموده‌اند. ضریب متغیر انگیزه پیشرفت (۰/۰۳۳) نیز اثر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. به این معنی که به ازای ۱ درصد افزایش در این متغیر، درآمد به اندازه ۳ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش انگیزه فرد، مقدار درآمد افزایش یافته که متناظر با کاهش فقر می‌باشد. مطالعه شیخی و امانیان (۱۳۸۹) نیز مهمترین پیش بینی کننده فقر اقتصادی را متغیر میل به پیشرفت بیان کرده‌اند و ارتباط معکوس متغیر میل به پیشرفت و شدت فقر را تأیید نموده‌اند. ضریب متغیر خلاقیت (۰/۰۴۲) نیز نشان دهنده اثر مثبت و معنادار این متغیر بر افزایش درآمد و کاهش فقر می‌باشد. این نتیجه با نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز (۱۹۶۹) و نظریه فرد خلاق هیگن (۱۹۶۷) همسو می‌باشد.

با بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر فقر نیز نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد هر اندازه که فرد اعتقاد بیشتری به حتمی بودن سرنوشت داشته باشد (تقدیرگرایی)، فقیرتر خواهد بود. منفی بودن ضریب این متغیر نشان از معکوس بودن این رابطه است. به عبارتی با افزایش یک درصدی تقدیرگرایی، درآمد فرد به میزان ۵ درصد کاهش یافته که خود متناظر با افزایش فقر می‌باشد. مطالعاتی از جمله بساطیان (۱۳۹۰)، عباسی و همکاران (۱۳۹۴) این رابطه را نیز تأیید نموده‌اند. ضریب متغیر اعتماد اجتماعی (۰/۰۲۷) نشان دهنده ارتباط مثبت و معنادار این متغیر بر افزایش درآمد و کاهش فقر می‌باشد. مطالعاتی از جمله شادی طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۷)، عبداللهی و همکاران (۱۳۹۲) همسو بودن این رابطه را تأیید نموده‌اند. نتایج نشان می‌دهد هر اندازه فرد برای زندگی دنیوی ارزش کمتری قائل شود، فقیرتر است. ضریب این متغیر (۰/۰۵۹) بیان می‌کند به ازای یک درصد افزایش در این متغیر درآمد حدود ۶ درصد کاهش می‌یابد. مطالعه پروین و درویشی فر (۱۳۹۴) نیز این نتیجه را تأیید نموده است.

در ادامه اثر عوامل روانشناختی و عوامل فرهنگی اجتماعی بر فقر بصورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده در جدول‌های ۴ و ۵ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای عوامل

روانشناختی و عوامل فرهنگی اجتماعی بصورت جداگانه نیز به خوبی توانایی توضیح دهندگی متغیر درآمد را دارند. در بررسی عوامل روانشناختی مؤثر بر فقر (جدول ۴) نیز همانند مدل کلی (جدول ۳) متغیرهای عزت نفس، انگیزش و خلاقیت اثر مثبت و معنادار بر درآمد دارند. اگرچه در رگرسیون کلی محرومیت اثر معناداری ندارد اما در هر دو برآورد چه بصورت مستقل و چه بصورت کلی این متغیر اثر منفی بر سطح درآمد دارد که متناظر با افزایش فقر می باشد. نتایج جدول ۴ نشان می دهد که یک درصد افزایش در این متغیر میزان درآمد به اندازه ۳ درصد کاهش می یابد. به عبارت دیگر هر اندازه که فرد احساس محرومیت بیشتری داشته باشد، فقیرتر خواهد بود.

جدول (۴) نتایج برآورد عوامل روانشناختی مؤثر بر فقر با روش حداقل مربعات وزن داده شده

(GLS)		
متغیر	ضریب	آماره t
عزت نفس	۰/۰۸۶	۷/۶۰***
محرومیت	-۰/۰۳۸	-۳/۱۹۶***
انگیزش	۰/۰۸۰	۴***
خلاقیت	۰/۰۵۹	۴/۳۲۸***
عرض از مبدأ	۰/۲۹	۰/۷۸۴

۷۰.R-squared = 0
Adjusted R-squared = 0.70
Durbin-Watson stat = 1.50

ماخذ: یافته های تحقیق (***) معنی داری در سطح (٪۱)

در بررسی مستقل عوامل فرهنگی مؤثر بر فقر (جدول ۵) نیز همانند مدل کلی (جدول ۳) متغیرهای تقدیرگرایی، عدم پس انداز و بی اعتباری دنیا اثر منفی و معناداری بر درآمد دارند که به معنای اثر مثبت بر فقر می باشد. متغیر خرافات در هر دو رگرسیون کلی و مستقل دارای اثر منفی بر متغیر درآمد می باشد. با این تفاوت که هنگام بررسی مستقل عوامل فرهنگی این متغیر تاثیر معناداری بر متغیر درآمد نیز دارد. به این معنی که به هر اندازه که فرد بیشتر به خرافات گرایش دارد، فقیرتر است. به ازای یک درصد افزایش در این متغیر درآمد به میزان ۵ درصد کاهش می یابد که متناظر با افزایش فقر می باشد.

جدول (۵) نتایج برآورد عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر فقر با روش حداقل مربعات وزن داده شده

(GLS)		
متغیر	ضریب	آماره t
تقدیرگرایی	-۰/۰۸۴	-۶/۶۸***
خرافات	-۰/۰۵۸	-۵/۶۲***

۴/۳۷***	۰/۰۴۲	اعتماد
۱/۹۹**	-۰/۰۶۴	عدم پس انداز
-۳/۲۴***	-۰/۰۹۹	بی اعتباری دنیا
۱۰/۴۳***	۴/۹۸۸	عرض از مبدأ

$R\text{-squared} = 0$

$\text{Adjusted } R\text{-squared} = 0$

$\text{Durbin-Watson stat} = 1$

ماخذ: یافته‌های تحقیق (*** معنی داری در سطح ۰.۱٪، ** معنی داری در سطح ۰.۵٪)

مسئله فقر بسیار گسترده بوده و در هر جامعه متناسب با ویژگی‌های خاص خود از عوامل متفاوتی تأثیر می‌پذیرد. در پژوهش حاضر عوامل فرهنگی-اجتماعی و روانشناختی موثر بر فقر تحت یک مدل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای شهرستان‌های اورامانات در استان کرمانشاه بوده که حجم نمونه طبق فرمول کوکران به تعداد ۴۰۰ نفر برآورد گردید و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه انتخاب گردید.

نتایج حاصل از برآورد رگرسیونی نشان داد افزایش اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای فرهنگی-اجتماعی و عزت نفس، انگیزه پیشرفت و خلاقیت به عنوان متغیرهای روان‌شناختی اثر مثبت و معناداری بر افزایش درآمد و متناظر با آن کاهش فقر را دارند. از سوی دیگر متغیرهای تقدیرگرایی و بی‌اعتباری دنیا به عنوان متغیرهای فرهنگی اجتماعی اثر منفی و معناداری بر درآمد داشته است. به عبارتی افزایش این متغیرها کاهش در درآمد و متناظر با آن افزایش فقر را به دنبال دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از بین عوامل روانشناختی موثر بر فقر عامل عزت نفس و از بین عوامل فرهنگی-اجتماعی عامل‌های تقدیرگرایی و بی‌اعتباری دنیا اثرگذارترین متغیرها بر فقر می‌باشند.

بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده و اثر مثبت متغیر انگیزه پیشرفت و خلاقیت بر افزایش درآمد و متناظر با آن کاهش فقر، ایجاد زیرساخت‌های آموزشی همچون مدارس و کانون‌های پرورشی و ارتباطی مانند راه‌های ارتباطی، کانال‌های تلویزیونی، اینترنت و ... در راستای تغییر نگرش افراد و ایجاد انگیزه برای کار و فعالیت می‌تواند در کاهش فقر در این مناطق اثرگذار باشد.

نتایج بدست آمده نشان دهنده اثر مثبت و معنادار عزت نفس بر کاهش فقر می‌باشد. لذا بکارگیری متخصصین مشاوره و روان‌شناسی در ارگان‌ها و ادارات متولی فقرا در زمینه توانمندسازی فکری افراد به عنوان یکی از راه‌های تسهیل‌کننده برون‌رفت از فقر می‌تواند در نظر گرفته شود.

باتوجه به اثر منفی تقدیرگرایی و بی‌اعتباری دنیا بر کاهش فقر در این مناطق ایجاد نگرش مطلوب و صحیح نسبت به زندگی دنیوی و مسایل دینی در شهروندان توسط صدا و سیما و مخصوصاً شبکه‌های استانی و محلی می‌تواند در این زمینه اثرپذیری بسیاری داشته باشد.

بنابراین اگر ترکیب الگوی فرهنگی-اجتماعی به نحوی باشد که افراد تحت پوشش خود را پویا و متناسب بهبود خواهی و آرمان خواهی به بار آورد، می‌تواند تسهیل‌کننده برون‌رفت از فقر باشد و در غیر اینصورت مانع رفع فقر می‌شود.

- ارشدی، علی (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال های برنامه اول تا چهارم توسعه، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، دوره ۱، شماره ۱، بهار (۱۳۹۲) صفحه ۲۳-۴۲.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، فرهنگ توسعه در ادبیات گُرد، نامه ی علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- استرنبرگ، رابرت (۱۳۸۷)، روان شناسی شناختی، ترجمه ی کمال خرازی و الهه حجازی. تهران، انتشارات پژوهشکده علوم شناختی تهران.
- آرونسون الیوت، ویلسون تیموتی، آکرت رابین، سامرز ساموئل (۱۳۹۷)، روان شناسی اجتماعی، مترجمان: مجید صفاری نیا و پرستو حسن زاده، تهران، نشر ارسباران.
- آروین جی، سارا سون و باربارا، سارا سون (۱۳۹۰)، روان شناسی مرضی، ترجمه: مهین نجاریان و همکاران، تهران، نشر رشد.
- استاندارداری کرمانشاه (۱۳۹۶)، سالنامه آماری استان کرمانشاه ۱۳۹۵.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۷)، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگه.
- افقه، سیدمرتضی (۱۳۹۶)، فایل درسی، درس توسعه دانشجویان دکتری دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- بساطیان، سید محمد (۱۳۹۰)، بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط آن، مطالعه موردی: شهرستان دلفان، استان لرستان. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی (ترجمه محمد تقی دلفروز)، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، تهران، انتشارات شیرازه.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- حافظ نیا، محمد (۱۳۷۱)، بررسی عوامل فقر پیرامون وضعیت خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد تهران، سمینار دستاوردهای تحقیقاتی کمیته امداد امام خمینی، دانشگاه تهران.
- خالد، امیر رستگار و همکاران (۱۳۹۳)، ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ی ۳، شماره ۳، پاییز ۹۳.
- خالدی، کوهسار و همکاران (۱۳۸۷)، مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۳۵.
- دورنر پیتر (۱۹۲۵)، اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی، ترجمه: احمد کریمی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضاخانی، ضیاءالدین، پرسش نامه اعتقاد به خرافات، اقتباس از کتاب Understanding Yourself از
- سایت www.Madsg.com
- رضایی، اکبر (۱۳۹۶)، روان شناسی انگیزش در آموزش و پرورش، تهران، انتشارات آیدین.

- روشه، گی (۱۳۷۶)، **جامعه شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی تیان.
- رییس دانا، فریبرز و همکاران (۱۳۷۹)، **فقر در ایران (مجموعه مقالات)**، تهران، انتشارات مرکز مطالعات رفاه اجتماعی وابسته به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه سال ۱۳۹۶.
- سلطانی، پرسش **نامه خلاقیت**، <http://edu-administrators.persianblog.ir>.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه: حسین راغفر، تهران، انتشارات کویر.
- شیخی، محمد و امانیان ابولفضل (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط کنش مؤثر فردی فقر اقتصادی در مهاجرین حاشیه نشین کلانشهر تبریز، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی** سال ششم، شماره ۲۴.
- عباسی طیبیه و همکاران (۱۳۹۴)، تبیین رابطه بین تقدیرگرایی و بهره وری نیروی انسانی، **فصلنامه مطالعات منابع انسانی**، سال پنجم شماره هفدهم، پاییز ۹۴.
- عبداللهی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستایی، مورد: روستای قپچاق شهرستان میاندوآب، **اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، سال دوم، زمستان ۱۳۹۲.
- عفتی، محمد و گودرزی، فطرس (۱۳۷۲)، مشارکت مردمی عنصر اصلی توسعه انسانی، **نشریه جهاد**، سال سیزدهم، شماره ۱۶۴.
- عنبری، موسی (۱۳۹۷)، **جامعه شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: انتشارات سمت.
- عینیان؛ مجید و داود سوری (۱۳۹۵)، فقر و نابرابری، رفتار پس انداز خانوار، تورم دهک ها، **مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی**.
- غفاری، مجتبی (۱۳۹۳)، رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی، **فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و بودجه**، سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۹۳.
- کوپر-اسمیت، پرسش نامه عزت نفس، questionire1.com.
- کورمن، آ (۱۳۷۶)، **روان شناسی صنعتی و سازمانی**، ترجمه: حسین شکرکن. تهران، انتشارات رشد.
- گوستاوجاهودا (۱۳۹۳)، **روان شناسی خرافات**، ترجمه: محمد نقی براهنی، تهران، نشر آسیم.
- متوسلی، محمود (۱۳۹۶)، **توسعه اقتصادی (مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش شناسی)**، تهران، انتشارات: سمت.
- محسنی تبریزی، علرضا و همکاران (۱۳۸۵)، تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن: سنجش میزان تقدیرگرایی در زنان بالغ شهرهای مراکز استان های کشور، **فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی**، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۷۴.
- مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۴)، **اقتصاد نهادگرا، (مطالعه یک سنت هترو دوکس در برابر ارتدوکس اقتصادی)**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- میردال، گونار (۱۳۶۶)، **درام آسیایی**، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، نشر امیرکبیر.

نورث، داگلاس سی (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه: محمود معینی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

هرمنس، مقیاس انگیزه پیشرفت (T.M.A)، www.iran-moshaver.ir.

همزه ای، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۱)، شناخت فرهنگ فقر در روستایان شهرستان هر سین، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۴۵.

یاسوری مجید، افقی نادر و امامی، فاطمه (۱۳۹۶)، مشارکت روستایی: راهکاری جهت دستیابی به توسعه کاهش فقر، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶.

Alkire, Sabina, Adriana Conconi and Suman Seth (2014), **Multidimensional Poverty Index 2014**: Brief Methodological Note and Results, oxford poverty and Humen Development Initiative, University of Oxford.

Bernard T, Dercon S. Taffes A (2012), Beyond Fatalism: An Emprical Exploration of self – efficacy and Aspirations Failure in Ethiopia published As IFPRI Discussion **paper 11 ; Markets, Trade And Instituations Division; Development Strategy And Governnance Division: 1- 20**

Hagberg Suarne (2001) **“Poverty in Burkina Faso, Representations and Realities**, Cambridge University press.

Mukaila, A; Sakariyau, O. B, Dauda, c. k & Zubairu, U. M (2012), Social Capital and Poverty Reduction in Nigeria: A Case Study of Minna Metropolis, **Internatinal Journal of Business and Social**, Vol. 3 No. 12.

Rogers, E.M. in association with L. Svenning. (1969). Modernization among peasants: the impact of communications. Holt Rinehart and Winston. NEW York.

Ren, Z.; Ge, Y. Wang, J. and Q. Zhang (2017), Understanding the Inconsistent Relationships between Socioeconomic Factors and Poverty Incidence across Contiguous Poverty – Stricken Region in China: Multilevel modeling, **Spatial Statistics. No, 21, pp 406 – 420.**

Shapiro J, Wus (2011), Fatalism and Savings, **Socio – Economics. No, 54, pp 45 – 98**

Vaalavuo, M. (2015) Poverty Dynamics in Europe: From What to Why. Working Paper 03/2015 Luxembourg: Publications Office of the European Union, European Commission

World Bank, (2009): Hand book on poverty and Inequality: [http:// documents. World Bank org / Ourted / en / 488081468157174849/ Handbook – on – poverty and Inequality.](http://documents.worldbank.org/Ourted/en/488081468157174849/Handbook-on-poverty-and-inequality)

World Bank (2015). “World Development Indicators (WDI)”. NewYork.

World Bank (2021). “Iran overview”. Country monitor, Iran economics monitor, Worldbank, NewYork.